

تحقیق تاریخ از نظر مردم‌شناسی*

رشید یاسمی

یک کتاب در یک مقاله^(۱)

در فهم و تدریس تاریخ یکی از علومی که امروز دخالت کلی دارد و برای آینده هم در رشته تاریخ بسیار امیدبخش است دموگرافی یا مردم‌شناسی است. آنان که ترقی و تنزل ملل را منوط به تکثیر و تقلیل سکنه ممالک می‌دانند در بحث تاریخی به این علم متوسل شده و بسی مشائل را در روشنایی آن تفتیش کرده‌اند.

از مشهورترین مؤسسان این مذهب تاریخی «کواردوژینی Corradogini» ایتالیایی است. به عقیده این استاد علت اساسی تغییرات تاریخی ملل تغییری است که در تعداد سکنه و جمع و تفریق مردمان و کیفیاتی که نتیجه آن است حاصل می‌گردد. همین احوال در سایر شوون جامعه از قبیل فرهنگ و اقتصاد و سیاست و سازمان و غیره مؤثر می‌افتد.

گذشته از جنگها و مهاجرتها و سایر حوادثی که موجب تبدیل نژاد ملل می‌شود موضوع اجتماع و افتراق سکنه هر کشور هم عاملی است که به‌طور خیلی طبیعی صفات نژادی قوم را تغییر می‌دهد.

*. بررسیهای تاریخی، شماره ۱ و ۲، صص ۱ تا ۴.

توضیح آنکه هر نسلی را در هر زمانی که مورد توجه قرار دهیم کاملاً نماینده نسل متقدم بر خود نیست پس صفات نسل سابق عیناً در نسل متأخر تکرار نمی‌شود. دو خمس از نسل قبلی پیش از ازدواج و تولید مثل می‌میرد و بقیه که مزاجت می‌کنند همه دارای اولاد نمی‌شوند بنابراین هیچ نسلی بیش از یک‌هشتم تا یک‌ثالث نماینده خصال نسل پیشین محسوب نتواند شد. از اینجا معلوم می‌شود که جریان سکنه هر جایی به تدریج منجر به تغییر کلی نسل می‌شود و یکی از قواعد کلی در این باب این است که طبقات عالیه کمتر تولید مثل می‌نمایند و طبقات متوسطه و دانیه بیشتر. و این امر نیز به تغییر احوال نژادی کم‌سکنه همیشه جریانی از پایین به بالا وجود دارد و آن عبارت است از حرکت طبقات فرودین جامعه به جانب بالا تا مکانی را که در طبقه عالیه به علت تقلیل روزافزون اولاد حاصل می‌شود پر کنند مطابق این اصل، ژینی نقشه ترقی و انحطاط ملل را چنین طرح کرده است:

«همان‌طور که سرنوشت حیاتی یک فرد وابسته به فعل و انفعالی است که در جوارح و اعضاء او پدید می‌آید به عقیده من سیر تکاملی هر ملتی را هم می‌توان منتسب به فعل و انفعال و تغییر رتبه ملی دانست که در طبقات اجتماعی و درجات سکنه آن حاصل می‌شود.

«قومی را فرض کنیم که در جایی ساکن است خواه از خارج آمده و خواه بومی باشد در آغاز تفاوت بارزی در طبقات او مشاهده نمی‌شود در این حال مردم بسیار ولود و زایا هستند و این کثرت اولاد چه در عهد جدید و چه در اعصار قدیم به تحقیق پیوسته است. مردم کرت و میسن و آتن و اسپارت و مهاجرین آمریکا و استرالیا و کانادا و زلاند جدید و غیره همگی چنین بوده‌اند

در نتیجه مقدار ساکنان آن سرزمین رو به ازدیاد می‌گذارد و در احوال طبقات تفاوت رخ می‌دهد و میان طبقه عالی که کم‌اولاد می‌شوند و طبقات دیگر که کثیرالاولادند مبادله جریان می‌یابد. همین قدر که جمعیت بسیار شد ناچار گروهی از مردم به جانب ممالک دیگر هجرت می‌کنند خواه تدریجاً و به‌طور مسالمت خواه دفعه‌ئاً و با جنگ و حمله در این دوره جنگها برای کشورستانی و استعمار واقع می‌شود غالباً افراد قوی‌تر و مستعدتر و باهمت‌تر به ترک وطن مألوف تن می‌دهند و زحمت مهاجرت و پیش‌قدمی در جنگ را بر خود هموار می‌سازند. پس از این دوره افراد نیرومند و مفید کشور از دست می‌روند. از خواص این دوره ظهور حس پهلوانی و میهن‌پرستی و جهانگیری و تعاون و همدستی در ولایت غربت است و افراد بسیار پیدا می‌شوند که خود را فدای هم‌وطنان می‌کنند و در راه میهن جان می‌سپارند.

«دیر یا زود دوره‌ی دیگر پیش می‌آید. از آنجا که در مهاجرت‌ها و جنگها اکثراً افراد باشهامت و نیرومند کشور از دست می‌روند مملکت از برومندی و قوت سابق می‌افتد و در میزان موالید او نقصان کلی حاصل می‌شود و این تقلیل اولاد در طبقات عالی‌ه بیشتر ظاهر می‌گردد به‌جای آنها افراد ضعیف‌تر و پست‌تر از طبقات دانی جامعه قرار می‌گیرند و جریان صعودی که سابقاً اشاره کردیم یعنی رفتن فرومایگان به مقام طبقات عالی‌ه شدیدتر می‌گردد زیرا که بسیاری از موانع سابقه که در راه این جریان بود برداشته شده است این جامعه دموکرات‌تر می‌گردد و رفاه و آسایش مردم رو به افزایش می‌گذارد زیرا که هم در کشور اصلی سکنه تقلیل یافته و هم در مستعمرات تولید ثروت و ارزاق پیشرفت کرده است پس سطح زندگی همه‌ی طبقات بالا می‌آید. ذوق و سلیقه‌ی افراد لطیف‌تر و

عالی تر می‌گردد. اشیاء تجملی که در سابق جز برای اشخاص درجه اول میسر نبود مطلوب اکثر مردم می‌شود. صنعت ترقی فاحش می‌کند. هنرهای زیبا از قبیل موسیقی و نقاشی و ادبیات جلوۀ خاصی می‌یابد و کارخانه‌ها به‌طور عمده و به مقدار زیاد اشیایی را که موجب آسایش زندگی و تجمل می‌گردد در دسترس عموم می‌گذارند در نتیجه کشور صنعتی می‌شود، شهرها رو به عظمت می‌گذارند، تجارت توسعه می‌یابد و روز به روز صحرانشینان به شهرنشینی رغبت بیشتری پیدا می‌کنند. این راه را دوره تمدن شهری و تجارتي و صنعتی باید گفت. از لحاظ سیاست این دوره دموکراسی است و از حیث احوال نفسانی تغییر عظیمی در مردم پیدا می‌شود. قومی که بسیار ولود و جنگجو و فداکار و میهن‌پرست و حادثه‌جو و باشهامت بود مبدل می‌شود به قومی توانگر و صنعت‌پیشه و منفعت‌طلب و رباخوار. تنعمی که از فراوانی ارزاق و فراخی معاش حاصل می‌شود مردان را راحت‌طلب و تن‌پرور می‌کند.

«از میان رفتن افراد دلیر و باشهامت و وطن‌دوست و فداکار ملت را صلح‌طلب و آرام می‌سازد. مفاخر نظامی و شور میهن‌پرستی از اعتبار می‌افتد. ترقی هنرهای زیبا که مولود آرامش و رفاه است بالا می‌گیرد. جامعه خود را نیک‌بخت و مطمئن و امیدوار به آینده می‌بیند چنانکه سیسرون که در این دوره از تاریخ رم می‌زیست می‌گفت که «این دولت ده هزار سال دوام خواهد یافت» لکن جامعه از همان زمان قدم در راه انقراض نهاده است ولی خودش آگاه نیست چنانکه دولت رم پس از سیسرون ۵۰۰ سال بیش دوام نیافت. دیر یا زود به جای آن دوره که ذکر کردیم عهد جدیدی پیدا می‌شود. نخستین علامت این عهد تقلیل جمعیت دهات است. آمدن دهقانان به شهرها و رفتن مردم به مستعمرات و

کم شدن اولاد موجب کساد زراعت و بایر ماندن مزارع می‌گردد. روز به روز کمی کار در دهات محسوس‌تر می‌شود. تنگ شدن دایره معاش بر دهقانان آنها را وادار به جلوگیری از اولاد می‌کند. رفته‌رفته دهقانان از آمدن به شهر خودداری می‌کنند چون سکنه دهات تقلیل یافت طبعاً خریدار محصولات شهری کم می‌شود. پس در کارخانه‌ها بیش از اندازه مصرف جنس تولید می‌گردد و خود ملت قادر نیست که آن را بخرد. این ازدیاد و محصولات صنعتی در صنایع اثر معکوس می‌بخشد تجارت را معطل و احوال اقتصادی اهل شهر را خراب می‌کند بحران‌های عظیم از حیث کثرت تولید و قلت مصرف پیش می‌آید و در نتیجه روز به روز طبقه فعال و کارگر شهرها بدبخت‌تر می‌شوند. در این دوره تعداد سرمایه‌داران تن‌پرور و بیگانه که از سرمایه خود بهره برمی‌دارند و نیز صاحبان حرفه‌های آزاد که نمی‌توان آنها را مولد ثروت نامید رو به افزایش می‌گذارد. دولت برای حفظ کشور و مستعمرات خود مجبور است مالیاتهای گزاف بر این جماعت تقلیل یافته تحمیل کند در نتیجه شورشها و عدم رضایت‌ها از هر جانب ظاهر می‌شود زیرا که مردم نمی‌خواهند از مقدار رفاهیت و نعمت خود بکاهند و به صورت مالیات از ثروت چیزی کم کنند و سطح زندگی خود را پائین آورند پس جنگ طبقاتی شدیدتر و ناگوارتر می‌شود و موجب صعوبت اوضاع می‌گردد. دولت و افراد روشنفکر درصدد جلوگیری از این پیش‌آمدها برمی‌آیند. دخالت دولت در امور به حد زیادی ظاهر می‌شود هر روز دولت قدمی در راه نظارت احوال اقتصادی مردم جلوتر می‌گذارد ولی نه تحقیقات علما نه مداخلات دولت نمی‌توانند این قوم را که در ورطه هلاک سرنگون شده نگاه بدارد. جامعه به آخرین مرحله حیات رسیده و فرتوت و مشرف به موت می‌شود و یک روز

تاریخ او از صحنه تاریخ جهان افتاده داخل موزه می‌گردد.»

ژینی برای تأیید این طرح خود مثال‌های بسیار از تاریخ یونان و رم می‌آورد و احوال فرانسه را در آغاز قرن بیستم نمونه قرار می‌دهد. به عقیده او این کشور به راه زوال افتاده و اکثر ملل اروپا هم در همین حدود هستند و این سرنوشت دامنگیر همه خواهد شد امری است حتمی و قضایی است مبرم (لامرد لقضاءالله) تنها راهی که برای نجات از این مرگ است مهاجرت و تأسیس مستعمرات جدید و مستقل است تا مردم تاریخ وطن اصلی را به صورت تازه در آنجا ادامه دهند.^(۲)

یادداشت‌ها:

۱. این مقاله که هنوز در جایی به چاپ نرسیده با لطف دانشمند معظم آقای دکتر باستانی پاریزی استاد دانشگاه تهران به مجله بررسیهای تاریخی اختصاص داده شده. مجله بررسیهای تاریخی از این همکاری صمیمانه سپاسگزار است.
۲. آنچه در این مقاله از نظر خوانندگان می‌گذرد، خلاصه یک کتاب حاوی فلسفه کورادوژینی است و ما آن را که یکی از فلسفه‌های تاریخ می‌باشد در معرض قضاوت محققان در اینجا به چاپ رسانیدیم. (بررسیهای تاریخی)